



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The impact of Farhangian University's teachings on graduates of the elementary education program at Farhangian University of North Khorasan

Mohammad Hassan. Behnamfar^{*1}, Afsaneh. Ahmadi Moghadam², Sorour. Kazemi³

¹Assistant Professor, Faculty Member of Ma'aref Department, Esfarayen Institute of Higher Education, North Khorasan, Iran.

²Assigned Professor, Farhangian University, North Khorasan, Iran.

³Esfarayen Faculty of Medical Sciences.

ABSTRACT

Keywords

Farhangian University
teachings
Primary Education
Personal skill development
Pedagogical knowledge
Graduates

¹ .Corresponding author
✉ behnamfarb@gmail.com

Received: 2025/08/04
Reviewed: 2025/10/28
Accepted: 2025/12/01

Background and Objectives: The main objective of this study was to examine the impact of the teachings at Farhangian University on graduates of the Elementary Education program at Farhangian University of North Khorasan. **Methods:** This research employed a mixed-methods approach (qualitative and quantitative). The quantitative part used a descriptive-survey method, while the qualitative part utilized phenomenology with the Colaizzi technique. The statistical population included 1,219 graduates of the Elementary Education program at Farhangian University of North Khorasan from 2012 to 2022. The quantitative sample, determined by Cochran's formula, consisted of 295 participants, and the qualitative sample included 15 graduates and 7 professors with high academic experience and activism, selected purposively. Data were collected through semi-structured interviews for the qualitative part and a researcher-made questionnaire for the quantitative part. The questionnaire's reliability was confirmed with a Cronbach's alpha of 0.82, and the validity was assessed through content validity. Data analysis was conducted using descriptive and inferential statistics (one-sample t-test). **Findings:** Exploratory factor coefficients indicated a significant relationship between independent and dependent variables. **Conclusion:** The teachings at Farhangian University of North Khorasan positively influence the course content, teaching knowledge, learner knowledge and learning, as well as the development of personal skills. These teachings have effectively impacted the graduates in a favorable manner.

ISSN (Online): 2645-7164

DOI: [10.48310/edup.2025.20775.1433](https://doi.org/10.48310/edup.2025.20775.1433)

Citation (APA) Behnamfar, M. H. , Ahmadi Moghadam, A. and Kazemi, S. (2025). The impact of Farhangian University's teachings on graduates of the elementary education program at Farhangian University of North Khorasan. *Teacher Education Policy*, 7 (3), 83 - 95 .

 <https://doi.org/10.48310/edup.2025.20775.1433>



تأثیر آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان بر فارغ التحصیلان رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

مقاله پژوهشی / مروری

محمدحسن بهنام‌فر^{۱*}، افسانه احمدی‌مقدم^۲، سرور کاظمی^۳

۱ استادیار، عضو هیئت علمی گروه معارف مجتمع آموزش عالی اسفراین، خراسان شمالی، ایران.

۲ دکتری مدیریت آموزشی، استاد مأمور دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، ایران.

۳ دانشکده علوم پزشکی اسفراین.

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان بر فارغ التحصیلان رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان خراسان شمالی است. این پژوهش با رویکرد آمیخته (کمی - کیفی) انجام شد؛ به‌طوری‌که در بخش کمی از روش توصیفی - پیمایشی و در بخش کیفی از روش پدیدارشناسی با تکنیک تحلیل کلاسی استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه فارغ التحصیلان رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ به تعداد ۱۲۱۹ نفر بود که از میان آنان، ۲۹۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس برای بخش کمی انتخاب شدند. در بخش کیفی نیز ۱۵ نفر از فارغ التحصیلان و ۷ نفر از اساتید دانشگاه به‌صورت هدفمند و بر اساس معیار تخصص و کنشگری آموزشی مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ محاسبه شد و روایی آن از طریق روایی محتوا تأیید گردید. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی، آزمون تی تکنمونه‌ای و تحلیل عامل اکتشافی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان تأثیر معناداری بر فارغ التحصیلان رشته آموزش ابتدایی در ابعاد محتوای درس، دانش‌آموزشگری، دانش مربوط به یادگیرندگان، دانش مربوط به یادگیری و توسعه مهارت‌های فردی دارد و این تأثیر در سطح مطلوب ارزیابی شد. همچنین نتایج بخش کیفی بیانگر آن بود که تلفیق آموزش‌های نظری و تجربه‌های میدانی نقش مهمی در ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان داشته است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بازنگری در محتوای دروس، تقویت واحدهای عملی و کارورزی، و توجه بیشتر به مهارت‌های حرفه‌ای و فردی می‌تواند به افزایش اثربخشی آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان در تربیت معلمان کارآمد منجر شود.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی

دانشگاه فرهنگیان

آموزه‌های آموزشی

شایستگی حرفه‌ای

آموزش ابتدایی

معلمان

۱. نویسنده مسئول

behnamfarb@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

شماره صفحات: ۸۳ - ۹۶

DOI: [10.48310/edup.2025.20775.1433](https://doi.org/10.48310/edup.2025.20775.1433)

شاپا الکترونیکی: ۷۱۶۴ - ۲۶۴۵



COPYRIGHTS

©2025 The author (s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

تغییر و تحولات سریع اجتماعی و رشد شتابان فناوری‌های نوین، انسان‌ها را با چالش‌هایی در آینده مواجه خواهد ساخت. آماده‌سازی انسان‌ها برای مواجهه با این چالش‌ها یکی از اصلی‌ترین اهداف آموزش و پرورش و آموزش عالی محسوب می‌شود. آنها باید از طریق آینده پژوهی، نیازهای آینده را شناسایی کنند، سپس برنامه درسی مبتنی بر آینده را شکل دهند. بنابراین می‌توان نیازها را شناسایی کرده و سپس منابع انسانی را برای مواجهه با چالش‌های آینده، از قبل آماده نمود، که این مستلزم طرح‌ریزی قبلی برای رویارویی با وقایع جدید است. آموزش و پرورش و آموزش عالی از بخش‌هایی هستند که می‌توانند افراد را برای این مواجهه آماده سازند (Karami, 2024).

توسعه حرفه‌ای معلمان نیز نیازمند تحول در فرایند آموزش، تغییر باورها، نگرش‌ها و فراهم نمودن چارچوب مناسب برای آموزش یادگیری است. از طرف دیگر توسعه حرفه‌ای معلمان شامل بهبود کیفیت فعالیت‌هایی می‌شود که معلمان در داخل و خارج از مدرسه انجام می‌دهند و مجموعه‌ای از فرآیندهای رسمی و غیررسمی را در بر می‌گیرد. این فرایندها برای بهبود بخشیدن به مهارت، دانش و رسیدن به تدریس مطلوب معلمان است. پژوهش‌های روانشناسی تربیتی نشان داده‌اند که معلمان موفق باید دارای مجموعه‌ای از دانش حرفه‌ای، دانش محتوای درس، دانش آموزشگری، دانش مربوط به یادگیرندگان و دانش مربوط به یادگیری باشند (Seif, 2019). نتایج پژوهش تلخایی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که نومعلمان دانشگاه فرهنگیان در سال‌های اولیه خدمتشان با چالش‌های متعددی روبرو هستند و عدم توجه به این مرحله حساس حرفه‌ای، مانعی جدی در کیفیت موثر آنها خواهد بود. نومعلمان در مدیریت کلاس درس و نیازهای دانشی و مهارتی نیازهای خود را ابراز داشتند. یافته‌های حاصل از بازخوردهای پایان هر جلسه و همچنین مصاحبه پایانی با نومعلمان شرکت کننده در محیط طراحی شده، نشان می‌دهد که برنامه مداخله نتایج مثبتی بر نومعلمان داشته و رضایت خاطر آنان را در پی داشت (Talkhabi & etal, 2020).

یکی از دغدغه‌های آموزش و پرورش این است که بدانند فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان به چه میزان به آموزه‌های رشته آموزش ابتدایی تسلط داشته و به هنگام عمل با مشکل مواجه نمی‌شوند. لذا هدف از این طرح پژوهشی بررسی تأثیر آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان بر فارغ التحصیلان رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان است که در آموزش و پرورش خراسان شمالی به تدریس گمارده می‌شوند. با توجه به وظیفه اصلی معلم که تبدیل دانش آموز به شهروندی جهانی، متعلق به جامعه بین الملل، است. لزوم ارتقای حرفه‌ای معلمان بیش از پیش احساس می‌شود. به طور کلی، موضوع ارتقای حرفه‌ای معلمان با مطرح شدن بحث اجرای اصلاحات در نظام‌های آموزشی پدیدار شده است، زیرا معلمان در اجرای اصلاحات آموزشی نقش مهمی بر عهده دارند. رشد حرفه‌ای معلمان شامل ارتقا و بهبود فعالیت‌هایی می‌شود که معلمان در داخل و خارج از مدرسه انجام می‌دهند و مجموعه‌ای از فرآیندهای رسمی و غیررسمی را در بر می‌گیرد. این فرایندها برای بهبود بخشیدن به مهارت، دانش و رسیدن به تدریس مطلوب معلمان است. حرفه‌ای شدن معلمان بر جنبه‌های تکنیکی و حرفه‌ای تدریس و ارتقای موقعیت اجتماعی حرفه معلمی متمرکز است و معلم حرفه‌ای باید درک عمیق‌تری از دانش محتوایی، رشد دانش آموز، سبک‌های یادگیری، راهبرهای تدریس و مجموعه‌ای جدید از ارزش‌ها همراه با احترام به تفاوت‌های فردی، همکاری با سایر همکاران و گرفتن بازخورد مداوم از تدریس و قابلیت هدایت و تغییر و ارتباط مؤثر داشته باشد (Berenj Foroush & etal, 2022). حرفه‌ای شدن فرایندی است که توسط آن انجام یک حرفه یا شغل مستلزم داشتن مهارت‌های ویژه‌ای می‌شود. رویکردهای جدید در تربیت و آموزش معلمان، بر اساس توسعه‌ی مفهوم رویکرد سیستمی به آموزش، که موجب در نظر گرفتن تدریس به عنوان فعالیت حرفه‌ای معلمان شده است (Seif, 2019).

بر طبق پیشنهاد ویلیامسون – مک دارمید و کلونجر- برایت^۱ (۲۰۰۸)، صلاحیت‌های معلمان در سه بُعد اصلی، یعنی ابعاد دانشی، مهارتی و نگرشی دسته‌بندی می‌شود. منظور از حوزه دانشی درک و آگاهی از حقایق،

1 . Williamson-McDiarmid, & Clevenger-Bright

اصول و واقعیت‌های ناشی از امور آموزشی یا تجربه است. بُعد دانشی شامل دانش موضوعی، تربیتی، یاددهی-یادگیری، برنامه درسی، مبانی علوم تربیتی، روانشناسی رشد و فرایندهای سنجش و فناوری‌های نوین می‌شود. بُعد مهارتی مهارت‌های برنامه‌ریزی، فناوری‌های آموزشی، همکاری، مذاکره، مدیریت و تصمیم‌گیری را شامل می‌شود که اجرای آنها به عملکرد موفقیت آمیز منجر می‌شود. بعد نگرش‌ها و ارزش‌ها آگاهی معرفتی، الزام و تعهد به ارتقای یادگیری دانش‌آموزان، انعطاف‌پذیری و پرسشگری را در برمی‌گیرد (Rezaei, 2018).

هانتلی^۱ (۲۰۰۳) صلاحیت معلمان را در شش دسته آماده سازی مناسب (برنامه‌ریزی و سازماندهی کلاس)، داشتن دانش پایه عمیق جهت تسهیل یادگیری، استفاده از راهبردهای مختلف مدیریت رفتار فراگیران، برقراری ارتباط مؤثر با ذینفعان مدرسه، حرفه‌ای عمل کردن و خودآگاهی طبقه بندی نموده است (Huntly, 2003).

وساموویبول و همکاران^۲ (۲۰۱۵) به نقل از تقی پور و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که استانداردهای حرفه‌ای برای معلمان آسه‌آن متشکل از هفت جنبه بود: استانداردهای دانش، استانداردهای ویژگی‌های فردی، استانداردهای توسعه و مشارکت حرفه‌ای و استانداردهای مشارکت و روابط اجتماعی.

یکی از پیش‌نیازهای تدریس مؤثر دانش محتوایی معلمان است. دانش معلم درباره محتوایی که تدریس می‌کند همواره جزء عناصر اساسی تدریس مؤثر بوده است. صرف نظر از فنون آموزشی، معلمان باید تسلط کافی بر یک موضوع داشته باشند تا بتوانند یادگیری دانش‌آموزان را هدایت کنند (Danielson, 2007). در همین راستا، دانشگاه ایالتی آیداهو^۳ در سال ۲۰۰۰ میلادی به منظور ایجاد تحول در زندگی دانش‌آموزان از طریق ایجاد آمادگی در معلمان به تدوین استانداردهای حرفه معلمی در قالب چهار مهارت دانش محتوایی، دانش محتوایی تربیتی، دانش و مهارت‌های روش معلمی و حرفه‌ای و منش‌ها و توانایی‌هایی انجام فعالیت‌های حرفه‌ای پرداخته است تا بتوان از طریق ایجاد این صلاحیت‌ها و مهارت‌ها در معلمان از یادگیری تمامی دانش‌آموزان که هدف اصلی آموزش است، حمایت نمود (Moqimi & Ramazan, 2011). برای توسعه مهارت‌های حرفه‌ای آگاهی از روش‌های تدریس در یک مدل آموزشی طراحی شده بسیار مهم و ضروری است و دانشجویان تربیت معلم، باید بتوانند از ابزار و وسایل آموزشی و کمک آموزشی استفاده کنند. همچنین، یافته‌ها آموزش‌های قبل از خدمت و ضمن خدمت را در توسعه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان بسیار مؤثر است (Saka & Saka, 2009). همچنین می‌توان اذعان نمود معلمان به جهت پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان نیازمند تخصص و توانایی حرفه‌ای هستند که باید از دانش علمی بالا و به روز، فهم موضوعی و انتخاب راهبرد مناسب جهت تدریس خلاق بهره مند باشند (Nourian & et al, 2024).

توسعه حرفه‌ای معلمان که به عنوان آموزش ضمن خدمت یا آموزش معلم شناخته می‌شود، جهت ارتقا و توسعه معلمان در حیطه خاصی ارائه می‌گردد و چشم انداز نگاه سیاست گذاران را آشکار می‌سازد. هرچند که طی این فرایند معلم دریافت کننده است اما بهره‌وران نهایی دانش‌آموزان خواهند بود (کلانتری خاندانی و فرخی، ۱۳۹۶). در همین راستا گالو-فکس و استانکبری^۴ (۲۰۱۸) اظهار داشتند معلمانی که دانش و مهارت‌های خود را با هم‌اندیشی و تلاش برای رشد و توسعه حرفه‌ای به دست می‌آورند، باعث ایجاد تغییرات در تمام تمرینات آموزشی کلاس درس می‌شوند که این امر به نوبه خود افزایش یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را در پی خواهد داشت. در این میان هدف اساسی توسعه حرفه‌ای معلمان تغییر کنشگری آنهاست (Talkhabi & et al, 2020). براساس طبقه بندی شولمن^۵ (Guerriero, 2017; 1987) حوزه دانش حرفه‌ای معلم شامل دانش محتوایی، دانش تربیتی محتوایی و دانش تربیتی عمومی می‌شود. در پژوهش‌های جدیدتر بر صلاحیت‌های فناورانه و دانش موردنیاز برای غلبه بر دشواری‌های مربوط به

1. Huntly
2. Wasamawibul & et al
3. Idaho
4. Gallo-Fax and Stankberry
5. Shulman

استفاده از فناوری تأکید و اشاره شده است. در نتیجه آن معلمان باید خود را با دشواری‌ها و اقتضائات قرن ۲۱ سازگار کنند (Caenea & Redecker, 2019).

اگرچه تاکنون پژوهش مستقیمی که به‌طور خاص به بررسی نیازهای حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان و آموزه‌های حرفه‌ای رشته آموزش ابتدایی پرداخته باشد گزارش نشده است، با این حال مطالعات متعددی در سطح ملی و بین‌المللی به‌صورت غیرمستقیم به ابعاد گوناگون این موضوع اشاره کرده‌اند و تصویری نسبتاً روشن از وضعیت صلاحیت‌ها و نیازهای حرفه‌ای معلمان، به‌ویژه نومعلم، ارائه می‌دهند.

یافته‌های مولازینالی و موسی‌پور (۱۴۰۴) نشان داد نومعلم در حوزه‌هایی همچون مدیریت فضای یادگیری، پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان، طراحی و مدیریت برنامه درسی، تعامل حرفه‌ای با همکاران، مدیران و والدین، دریافت حمایت‌های حرفه‌ای و نیز مسائل شغلی و روانی با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. نتایج این پژوهش بر ضرورت شناسایی این چالش‌ها و طراحی سازوکارهای حمایتی هدفمند به منظور ارتقای عملکرد حرفه‌ای و تسهیل سازگاری آنان با محیط آموزشی تأکید دارد (Moulazinalli & Mousapour, 2025).

در همین راستا، شمسی‌گوشکی و همکاران (۱۴۰۴) نشان دادند که تربیت فناورانه معلمان ابتدایی می‌تواند مبنایی برای بازنگری در برنامه‌های تربیت معلم و توسعه حرفه‌ای آنان باشد. این الگو بر تلفیق مهارت‌های شناختی، اجتماعی، فنی و اخلاقی در تعامل با فناوری تأکید داشته و ظرفیت لازم برای ارتقای کیفیت آموزش در دوره ابتدایی را فراهم می‌سازد (Shamsi Goshki et al., 2025).

محبی و همکاران (۱۴۰۰) گزارش کردند که معلمان در بُعد دانشی در سطح متوسط قرار دارند، اما در بُعد مهارتی، به‌ویژه در مؤلفه‌هایی چون مدیریت کلاس، برنامه‌ریزی فرصت‌های یادگیری، روش‌های تدریس فعال، ارزشیابی و کاربرد فناوری، پایین‌تر از متوسط هستند؛ در حالی که در ابعاد نگرشی و شخصیتی-اخلاقی در سطحی بالاتر از متوسط ارزیابی شده‌اند. این یافته‌ها بیانگر وجود شکاف میان دانش نظری و توان اجرایی معلمان و ضرورت توسعه نظام‌مند صلاحیت‌های حرفه‌ای مبتنی بر اسناد تحولی و پژوهش‌های علمی است (Mohebi et al., 2022).

نتایج پژوهش احمدی‌پور و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که ضرورت کسب صلاحیت حرفه‌ای بر شکل‌گیری مفاهیم و مؤلفه‌های آن تأثیر معناداری دارد و این مؤلفه‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تحول نظام آموزشی ایفا می‌کنند (Ahmadipour et al., 2021). از سوی دیگر، شکرالاهی و همکاران (۱۴۰۰) نیز تأکید کرده‌اند که برخورداری معلمان از صلاحیت حرفه‌ای از عوامل اساسی ارتقای کیفیت آموزش و بهبود سطح و عمق یادگیری دانش‌آموزان، به‌ویژه در محیط‌های دوزبانه، محسوب می‌شود (Shokrollahi et al., 2021).

در پژوهش جاجی و همکاران (۲۰۲۵) مشخص شد که فارغ‌التحصیلان، علی‌رغم برخورداری از دانش محتوایی مناسب، در زمینه مهارت‌های تدریس، پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی، مدیریت کلاس، ادغام فناوری و فشارهای عاطفی و روانی با چالش‌هایی جدی مواجه‌اند. با این حال، تمرین تأملی و تعامل اجتماعی مستمر به آنان کمک کرده است تا به تدریج هویت حرفه‌ای مطمئن‌تر و دانش‌آموز‌محورتر شکل دهند (Jahjei et al., 2025).

همچنین دینه و همکاران (۲۰۲۵) سطح بالایی از توانمندی معلمان در ارزیابی و پرورش شایستگی‌های دانش‌آموزان و طراحی راهبردهای آموزشی برای ارتقای قابلیت‌های آنان گزارش کردند (Dinh et al., 2025). چن و همکاران (۲۰۲۵) نیز نشان دادند که معلمان دوره ابتدایی، سواد پایه هوش مصنوعی را به‌عنوان یکی از نیازهای مهم توسعه حرفه‌ای خود در اولویت قرار داده‌اند و این امر ضرورت بازنگری در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای را در راستای ادغام مؤثر فناوری‌های نوین برجسته می‌سازد (Chen et al., 2025).

مطالعات رتنو و همکاران (۲۰۲۵) بر اعتبار بالای مدل‌های یکپارچه یادگیری و نقش آن‌ها در ارتقای حرفه‌ای‌گری معلمان و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید دارد. همچنین یافته‌های آریفین و همکاران (۲۰۲۴) رابطه معناداری میان محیط کلاس درس، توسعه حرفه‌ای معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که بر

اهمیت ایجاد فضاهای یادگیری حمایت‌گر و فراگیرمحور دلالت دارد. نگوین و همکاران (۲۰۲۳) نیز نقش مثبت رهبری آموزشی مدیران را در بهبود شیوه‌های یادگیری و توسعه حرفه‌ای معلمان برجسته کرده‌اند.

در نهایت، نتایج پژوهش یونر (۲۰۲۲) حاکی از آن است که معلمان زن در مقایسه با مردان نیازهای حرفه‌ای بیشتری برای ورود مؤثر به کلاس درس دارند و همچنین فقدان حمایت نهادی و نبود برنامه‌های مدون توسعه حرفه‌ای از موانع اصلی تحقق اهداف آموزشی به شمار می‌رود.

مرور نظام‌مند این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با وجود تنوع در زمینه‌های مطالعاتی، همگی بر ضرورت ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، کاهش شکاف میان دانش نظری و مهارت عملی، تقویت آموزش‌های فناورانه، حمایت سازمانی و طراحی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای منسجم تأکید دارند. این یافته‌ها بیانگر آن است که بازنگری در آموزه‌های رشته آموزش ابتدایی و تطبیق آن با نیازهای واقعی نومعلمان، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

دانشگاه فرهنگیان به عنوان نهاد رسمی تربیت معلم کشور و یکی از ارکان بنیادین نظام تعلیم و تربیت، همه‌ساله در صدد جذب و پرورش شایسته‌ترین داوطلبان حرفه معلمی است. تربیت معلم به‌مثابه یک پروژه ملی و راهبردی، در کانون توجه سیاست‌گذاران قرار دارد و مستلزم برنامه‌ریزی منسجم و هم‌افزایی تمامی دستگاه‌ها به‌منظور تحقق تحول بنیادین آموزش و پرورش و تربیت معلمان تراز می‌باشد (Rafiee et al., 2024). رسالت اصلی این دانشگاه، تربیت معلمان حرفه‌ای برخوردار از دانش تخصصی و مهارت‌های عملی معلمی است؛ به‌گونه‌ای که اسناد بالادستی نیز بر نقش محوری معلم و شایستگی‌های حرفه‌ای او در هدایت فرایند یاددهی-یادگیری تأکید دارند و معلم را اساسی‌ترین عنصر نظام آموزشی معرفی می‌کنند (Seif, 2019).

عدم تأمین نیازهای حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای در نظام آموزشی و حتی در عرصه آسیب‌های اجتماعی به همراه داشته باشد، چرا که مدرسه و کلاس درس مهم‌ترین بستر پیشگیری و حل مسائل اجتماعی تلقی می‌شود. نارسایی در دانش و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، توان آنان را در مواجهه مؤثر با مسائل تربیتی و اجتماعی دانش‌آموزان کاهش می‌دهد. از این‌رو، به‌روزرسانی مستمر دانش و مهارت معلمان و توانمندسازی آنان، به‌ویژه در دوره ابتدایی که نقش بنیادینی در شکل‌گیری شخصیت کودک دارد، ضرورتی انکارناپذیر است. در این راستا، دانشگاه فرهنگیان به عنوان تنها نهاد رسمی تربیت معلم، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل دانش‌جومعلمان به معلمان حرفه‌ای و در نهایت در آینده‌سازی و تحول اجتماعی ایفا می‌کند (Sharbatian, 2024). ارتقای شایستگی‌های فردی و حرفه‌ای معلمان نه‌تنها بر کیفیت آموزش دانش‌آموزان تأثیرگذار است، بلکه ساختار آموزش و پرورش جامعه را نیز متحول می‌سازد. بر این اساس، بررسی میزان تأثیر آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان بر فارغ‌التحصیلان رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی ضروری به نظر می‌رسد. لذا هدف این پژوهش، تبیین تأثیر این آموزه‌ها بر مؤلفه‌هایی چون محتوای درسی، دانش‌آموزشگری، دانش مربوط به یادگیرندگان، دانش مربوط به فرایند یادگیری و توسعه مهارت‌های شخصی فارغ‌التحصیلان می‌باشد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته (کمی و کیفی) انجام شده است. در بخش کمی از روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی و در بخش کیفی از روش پدیدارشناسی توصیفی با تکنیک تحلیل کلایزی استفاده شده است. روش کلایزی ریشه در پدیدارشناسی هوسرل داشته و با هدف کشف و توصیف تجارب زیسته افراد، از طریق طی هفت مرحله تحلیل داده‌ها، به استخراج معانی و مضامین اصلی می‌پردازد (Dehbashi & Ayatollahi, 2009).

جامعه آماری پژوهش در بخش کمی شامل کلیه فارغ‌التحصیلان رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ به تعداد ۱۲۱۹ نفر بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۹۵ نفر تعیین و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد.

در بخش کیفی، جامعه پژوهش شامل اساتید و فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان بود که به صورت هدفمند انتخاب شدند. در این بخش با ۱۵ نفر از فارغ التحصیلان منتخب و ۷ نفر از اساتید صاحب نظر، مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق انجام شد. فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته مربوط به نیازهای حرفه‌ای فارغ التحصیلان آموزش ابتدایی بود که بر اساس یافته‌های بخش کیفی و مبانی نظری طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۵۳ گویه در قالب مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) بوده و پنج مؤلفه زیر را مورد سنجش قرار داد:

۱. محتوای درس

۲. دانش آموزشگری

۳. دانش مربوط به یادگیرندگان

۴. دانش مربوط به یادگیری

۵. توسعه مهارت‌های فردی و حرفه‌ای

روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از شاخص CVI و نظر خبرگان بررسی شد که مقدار ۰.۸۶ نشان‌دهنده تأیید روایی آن است. پایایی ابزار نیز از طریق آلفای کرونباخ و اجرای مقدماتی بر روی ۴۰ نفر بررسی شد که ضریب آن در سطح مطلوب گزارش گردید.

در بخش کیفی، داده‌ها پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوای کلایزی تحلیل شد. بدین صورت که ابتدا مفاهیم کلیدی استخراج، سپس مقوله‌های میانی شکل گرفته و در نهایت مضامین نهایی طبقه‌بندی شد. این مضامین به عنوان چارچوب طراحی پرسشنامه و نیز تفسیر نتایج مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی شامل: توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد به توصیف اطلاعات پرداخته خواهد شد و در بخش استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، T تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس استفاده خواهد شد. در ادامه به بررسی سؤالات و توصیف نتایج می‌پردازیم. بر اساس نتایج آزمون نرمالیت توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف^۱، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌های متغیرهای محتوای درس، دانش آموزشگری، دانش مربوط به یادگیرندگان، دانش مربوط به یادگیری و توسعه مهارت فردی به طور کلی نرمال است. این نتایج نشان می‌دهند که داده‌های مورد بررسی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند و می‌توانند برای تحلیل‌های آماری مختلف به خوبی استفاده شوند. بنابراین، از آنجایی که مقدار معناداری همه متغیرها با استفاده از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف کوچکتر از ۰/۰۵ است، می‌توان فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها را تأیید کرد و عنوان کرد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند.

نتایج آزمون بارتلت^۲ متغیرها نشان داد که کلیه متغیرها دارای مقدار شاخص (KMO)^۳ بیشتر از ۰/۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشند که نشان می‌دهد اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس همبستگی حاصل در گروه نمونه مورد بررسی توجیه پذیر هست. بدین ترتیب نمونه انتخاب شده از کفایت لازم برای پژوهش حاضر برخوردار است و داده‌ها مناسب برای انجام تحلیل عاملی هستند و ملزومات لازم برای این تحلیل وجود دارد. داده‌های جمع‌آوری شده از پژوهش حاضر با میزان شاخص (KMO)، بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ میزان تناسب خیلی خوب داده‌ها را نشان می‌دهد.

سوال اصلی پژوهش: وضعیت تأثیرگذاری آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان چگونه است؟

1. Kolmogorov-Smirnov
2. Bartlett's
3. Kaiser-Mayer-Olkin

آزمون تحلیل واریانس

جدول ۱. نتایج مربوط به تحلیل واریانس

مدل	R	R ²	تعدیل شده R ²	خطای استاندارد برآورد	آماره‌های تغییر				دوربین واتسون
					R ² تغییرات	F تغییرات	df1	df2	
۱	۰/۸۰۹	۰/۶۵۵	۰/۶۴۹	۰/۷۰۸	۰/۶۵۵	۱۰۹/۶۷۰	۵	۲۸۹	۰/۰۰۰
									۱/۸۳۲

همانطور که در جدول ۴-۸ مشاهده شد طبق خروجی مقادیر ضریب عامل اکتشافی، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای معیار تخمین و سطح معنادار بدست آمد. سطح معنادار برابر صفر می‌باشد و از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ نیز کوچکتر می‌باشد که نشان می‌دهد مدل عامل اکتشافی توانسته است تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. ضریب تعیین تعدیل شده ی مدل برابر ۰/۶۵ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ۶۵٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته، قابل استناد به تغییرات متغیرهای مستقل می‌باشد و بقیه تغییرات متغیر وابسته ناشی از شانس (عواملی غیر از متغیرهای مستقل) بوده است.

جدول ۲. نتایج آنوا

مدل	مجموع آماره‌ها	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معناداری
عامل اکتشافی	۲۷۴/۹۴۰	۵	۵۴/۹۸۸	۱۰۶/۶۷۰	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۴۴/۹۰۴	۲۸۹	۰/۵۰۱		
کل	۴۱۹/۸۴۴	۲۹۴			

سومین جدولی که در این رابطه به نمایش در آمد مرتبط با اطلاعات هر یک از متغیرهای مستقل بوده است.

تحلیل:

این بخش از مدل برای توضیح تغییراتی که توسط متغیرهای مستقل توضیح نشده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به این تحلیل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که مدل عامل اکتشافی تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته (اکتشافی) دارد و این تأثیر آماری معنی‌دار است. این نتیجه نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مورد بررسی تأثیر قابل توجهی بر متغیر وابسته دارند.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل عامل اکتشافی

متغیر مستقل	ضرایب عامل اکتشافی استاندارد شده	سطح معنی داری	آماره آزمون
مقدار ثابت	۰/۰۰۰	۶/۵۷۸	
محتوای درس	۰/۳۵۸	۰/۰۰۱	۳/۳۲۶
دانش‌آموزشگری	۰/۳۲۳	۰/۰۰۷	۲/۷۱۳
دانش مربوط به یادگیرندگان	۰/۲۲۷	۰/۰۰۹	۴/۷۹۰
دانش مربوط به یادگیری	۰/۱۲۲	۰/۰۲۱	۳/۵۵۷
توسعه مهارت فردی	۰/۱۴۵	۰/۰۰۲	۵/۲۵۱

برای فرموله نمودن معادله عامل اکتشافی، جدول ۴-۱۰ ارائه شد. به منظور بدست آوردن معادله اطلاعاتی از جمله مقدار ثابت معادله^۱، ضرایب عامل اکتشافی^۲، همچنین بررسی آزمون خطی بودن که از سطح معنی داری مشخص

۱. α
۲. β

می‌گردد، آورده شد..

ضرایب عامل اکتشافی استاندارد شده نشان دهنده ارتباط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است. همچنین، سطح معنی داری نشان می‌دهد که آیا این ارتباطات آماری معنی دار هستند یا خیر. آماره آزمون هم نشان دهنده قدرت این ارتباطات است.

محتوای درس: محتوای درس به طور معنی داری با عامل اکتشافی مرتبط است و این ارتباط آماری معنی دار است. **دانش آموزشگری:** دانش آموزشگری نیز ارتباط معنی داری با اکتشافی دارد و این ارتباط آماری نیز معنی دار است. **دانش مربوط به یادگیرندگان:** دانش مربوط به یادگیرندگان نیز ارتباط معنی داری با اکتشافی دارد و این ارتباط آماری نیز معنی دار است. می‌توان نتیجه گرفت که محتوای درس، دانش آموزشگری، و دانش مربوط به یادگیرندگان همگی ارتباط معنی داری با عامل اکتشافی دارند و این ارتباطات آماری نیز معنی دار هستند. لذا با توجه به جدول ۴-۹ اثر محتوای درس (۰/۳۵۸)، دانش آموزشگری (۰/۳۲۳)، دانش مربوط به یادگیرندگان (۰/۲۲۷)، دانش مربوط به یادگیری (۰/۱۲۲)، توسعه مهارت فردی (۰/۱۴۵) بر آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان می‌باشد.

در راستای تکمیل بخش کمی پژوهش، بخش کیفی نیز با هدف واکاوی عمیق‌تر تجربه‌ها و دیدگاه‌های اساتید دانشگاه فرهنگیان نسبت به میزان تأثیرگذاری آموزه‌های این دانشگاه بر فارغ‌التحصیلان رشته آموزش ابتدایی انجام گرفت. بدین منظور، با استفاده از روش پدیدارشناسی و تکنیک کلاژی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اساتید صاحب‌نظر صورت پذیرفت.

تحلیل داده حاصل از مصاحبه‌ها منجر به استخراج مضامین اصلی و فرعی گردید که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: **کاربردی بودن نسبی محتوای دروس تربیت معلم؛** اساتید معتقد بودند که محتوای آموزشی اگرچه از پشتوانه نظری قوی برخوردار است، اما در برخی موارد با نیازهای واقعی کلاس درس فاصله دارد و نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی است.

نقش کلیدی مهارت‌های عملی در اثربخشی آموزه‌ها؛ اکثر مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که میزان موفقیت فارغ‌التحصیلان بیش از آنکه به دانش نظری وابسته باشد، به مهارت‌های عملی، مدیریت کلاس و توانایی تعامل با دانش‌آموزان مرتبط است.

فاصله میان آموزش دانشگاهی و فضای واقعی مدرسه؛ یکی از مضامین پرتکرار، عدم هم‌راستایی برخی آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان با شرایط واقعی مدارس بود که می‌تواند اثربخشی آموزه‌ها را کاهش دهد. **ضرورت تقویت شایستگی‌های حرفه‌ای مستمر؛** اساتید بر این باور بودند که برای افزایش اثربخشی آموزه‌ها، باید برنامه‌های توانمندسازی ضمن خدمت و کارگاه‌های مهارتی به‌صورت مستمر تقویت شود.

نتایج بخش کیفی نشان داد که اگرچه آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان در ارتقای سطح دانش پایه معلمان اثربخش بوده‌اند، اما برای افزایش اثربخشی عملی، نیاز به تقویت آموزش‌های مهارتی، بازنگری در محتوای دروس و افزایش ارتباط با محیط واقعی مدرسه وجود دارد.

این نتایج، یافته‌های بخش کمی را تکمیل نموده و تصویری عمیق‌تر و جامع‌تر از وضعیت تأثیرگذاری آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان ارائه می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت نسل امروز و آینده، نیازمند معلمانی برخوردار از شایستگی‌های حرفه‌ای، انگیزه بالا و توانمندی‌های علمی و عملی است. نقش معلم در ارتقای کیفیت نظام آموزشی و تحقق اهداف توسعه پایدار، نقشی اساسی و غیرقابل انکار است؛ به‌گونه‌ای که موفقیت هر نظام آموزشی تا حد زیادی به کیفیت تربیت و توانمندی معلمان آن وابسته است (Alizadeh & Rezaei, 2009). از این رو، دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهاد اصلی تربیت معلم در کشور، مسئولیت

بنیادینی در ارتقای سطح صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجومعلم‌ان بر عهده دارد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان تأثیر آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان بر فارغ التحصیلان رشته آموزش ابتدایی انجام شد و با بهره‌گیری از روش آمیخته (کمی - کیفی) به تحلیل همه‌جانبه این موضوع پرداخت. نتایج بخش کمی نشان داد که آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان در مؤلفه‌های محتوای درس، دانش‌آموزشگری، دانش مربوط به یادگیرندگان، دانش مربوط به یادگیری و توسعه مهارت فردی، در سطح مطلوبی قرار دارند و این مؤلفه‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر شایستگی‌های حرفه‌ای فارغ التحصیلان داشته‌اند. همچنین، تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که حدود ۶۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته به وسیله این مؤلفه‌ها تبیین می‌شود که بیانگر نقش مؤثر برنامه‌های آموزشی دانشگاه فرهنگیان در شکل‌دهی به توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان است.

در کنار این یافته‌ها، نتایج بخش کیفی حاصل از مصاحبه با اساتید دانشگاه فرهنگیان، ابعاد عمیق‌تری از این موضوع را آشکار ساخت. اساتید بر این باور بودند که اگرچه آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان به لحاظ نظری و محتوایی ساختاری منسجم دارند، اما در برخی موارد با چالش‌هایی همچون فاصله میان آموزش‌های دانشگاهی و واقعیت‌های کلاس درس، محدودیت در فرصت‌های تمرین عملی و ضعف در پیوند میان نظریه و عمل مواجه هستند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که اثربخشی واقعی آموزه‌ها زمانی محقق می‌شود که آموزش‌های نظری با تجربه‌های میدانی، کارورزی هدفمند و بازخورد مستمر همراه شود. ترکیب نتایج کمی و کیفی بیانگر آن است که آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان در ایجاد بسترهای اولیه دانش و مهارت حرفه‌ای موفق بوده‌اند، اما برای دستیابی به سطح بالاتری از اثربخشی، نیازمند تقویت رویکردهای مهارت‌محور، افزایش تعامل میان دانشگاه و مدرسه و بازنگری در محتوای برخی دروس تربیتی هستند. این یافته نشان می‌دهد که کیفیت تربیت معلم صرفاً در انتقال دانش نظری خلاصه نمی‌شود، بلکه در توانایی به‌کارگیری این دانش در موقعیت‌های واقعی آموزشی معنا می‌یابد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان داشته‌اند، اما استمرار و تعمیق این تأثیر مستلزم توسعه آموزش‌های کاربردی، تقویت کارورزی، آموزش مبتنی بر موقعیت و بازنگری در شیوه‌های تدریس است. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی از جمله مولازینالی و موسی پور (۱۴۰۴)، شمسی گوشکی و همکاران (۱۴۰۴)، برنج فروش آذر و همکاران (۱۴۰۱)، محبی و همکاران (۱۴۰۰)، شکرالهی و همکاران (۱۴۰۰)، احمدی پور و همکاران (۱۴۰۰)، دینه و همکاران (۲۰۲۵)، چن و همکاران (۲۰۲۵)، رتنو و همکاران (۲۰۲۵)، جاجی و همکاران (۲۰۲۵)، آریفین و همکاران (۲۰۲۴)، نگوین و همکاران (۲۰۲۳)، پراناتی و پراکاش (۲۰۲۲) و یونر (۲۰۲۲) همراستا و همسو است که بر ضرورت تلفیق دانش نظری و مهارت عملی در تربیت معلمان تأکید داشته‌اند. در نهایت، می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که مسیر ارتقای اثرگذاری آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان در گرو تقویت آموزش‌های مهارتی، افزایش پیوند میان دانشگاه و مدرسه، بازنگری در محتوای دروس تربیتی و توجه بیشتر به نیازهای واقعی کلاس درس است. تحقق این امر می‌تواند زمینه‌ساز تربیت معلمانی توانمند، خلاق و اثربخش گردد که قادر به پاسخگویی به نیازهای تحولی نظام تعلیم و تربیت و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان باشند.

به منظور ارتقای میزان تأثیرگذاری آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان در تربیت دانشجویان رشته آموزش ابتدایی، نتایج در دو بخش «دستاوردهای پژوهش» و «توصیه‌ها» ارائه گردید:

دستاوردهای پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان داد که افزایش کیفیت و اثربخشی آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان مستلزم توجه به چند مؤلفه اساسی است. نتایج بیانگر آن است که بررسی دقیق و تخصصی محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، همراه با نظارت دقیق اساتید بر واحدهای کارورزی، نقش مؤثری در ارتقای دانش علمی و عملی دانش‌آموختگان دارد. همچنین آشنایی با روش‌های متنوع تدریس، مدیریت کلاس، روانشناسی کودک، شناخت مراحل رشد، اختلالات یادگیری و نظریه‌های یادگیری از جمله عوامل کلیدی در بهبود عملکرد آموزشی معلمان آینده محسوب می‌گردد.

افزون بر این، توسعه مهارت‌های فردی نظیر فن بیان، صبر و شکیبایی، انگیزه شغلی، مهارت ارتباطی و آشنایی با امور

اداری مدرسه، موجب افزایش توانمندی حرفه‌ای دانشجومعلمان و ارتقای کیفیت فرآیند یاددهی - یادگیری می‌شود. **توصیه‌ها:** بر اساس دستاوردهای به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، توصیه‌های زیر جهت بهبود اثربخشی آموزه‌های دانشگاه فرهنگیان ارائه گردید:

در حوزه محتوای درسی:

- بازنگری و تحلیل تخصصی محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی
- تقویت و هدفمند نمودن واحدهای کارورزی همراه با نظارت مستمر اساتید
- برگزاری کارگاه‌های علمی، کنفرانس‌های آموزشی و دوره‌های بازآموزی
- افزایش واحدهای عملی متناسب با نیازهای واقعی تدریس

در حوزه دانش‌آموزشگری:

- آموزش کاربردی فناوری آموزشی و رسانه‌های نوین
- رعایت دقیق سرفصل‌های درسی توسط اساتید
- برگزاری دوره‌های مدیریت کلاس و نحوه تدریس در کلاس‌های چندپایه
- آموزش روش‌های متنوع تدریس از جمله مشارکتی، بارش مغزی، ایفای نقش و اکتشافی

در حوزه دانش مربوط به یادگیرندگان:

- آموزش روانشناسی کودک و روانشناسی بازی
- آشنایی با نحوه برخورد با دانش‌آموزان با نیازهای ویژه (بیش‌فعالی، اتیسم، اختلالات یادگیری و ...)
- تقویت مهارت شناخت هیجانات و مدیریت عاطفی دانش‌آموزان

در حوزه دانش یادگیری:

- آشنایی با نظریه‌های یادگیری (رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و سازنده‌گرایی)
- آموزش روش‌های نوین ارزشیابی کیفی
- تقویت مهارت پرورش تفکر و خلاقیت در کودکان

در حوزه توسعه مهارت‌های فردی:

- برگزاری دوره‌های فن بیان و مهارت‌های ارتباطی
- تقویت مهارت گوش دادن فعال
- آموزش عملی امور اجرایی و اداری مدرسه به دانشجومعلمان

References

- Ahmadipour, Masoumeh, Hashemi, Seyed Ahmad, Ranjbar, Mokhtar and Behrouzi, Mohammad. (2021). Studying the professional qualifications pattern of student teachers of Farhangian University of Bushehr Province. Ahvaz Jundishapur Journal of Educational Development, 12 (0), 291-304. [In Persian]
doi: 10.22118/edc.2021.293687.1842
- Alizadeh, E., & Rezaei, A. M. (2009). Examining the social status of the teaching profession (high school teachers and elementary school teachers) and its changes over the past three decades. Innovations in Education Quarterly, 3 (11), 1-2. [In Persian]
https://noavaryedu.oerp.ir/article_78895.html
- Arifin, A., S.S., M.Pd.K., D. S., & Arifudin, . O. (2024). The Relationship Between Classroom Environment, Teacher Professional Development, and Student Academic Performance in Secondary Education. International Education Trend Issues, 2 (2), 151 -

159.
<https://doi.org/10.56442/iet.v2i2.467>
- Berenj Foroush Azar, G, Nazem, F, & Afkaneh, S. (2022). Analysis of Dimensions and Components of Teacher's Professional Competence Using valid Scientific Sources and documents and Expert's Opinions. *Islamic Life Style Centered On Health*, 6 (3), 140-165. [In Persian] SID. <https://sid.ir/paper/1115463/en>
- Chen, R., Lee, V.R. & G Lee, M. A cross-sectional look at teacher reactions, worries, and professional development needs related to generative AI in an urban school district. *Educ Inf Technol* **30**, 16045–16082 (2025). <https://doi.org/10.1007/s10639-025-13350-w>
- Caenea, F. & Redecker, C. (2019). Aligning teacher competence frameworks to 21st century challenges: The case for the European Digital Competence Framework for Educators (Digcompedu). *European Journal of Education: Research, development and Policy*, 54 (3), 356-369. <https://doi.org/10.1111/ejed.12345>
- Danielson, C. (2007). *Enhancing Professional Practice: A framework for teaching*.
- Dinh, T. N. T., Nguyen, H. V., Vu, A. T. L., Nguyen, P. M., Nguyen, T. T. A., & Phan, L. T. (2024). The capacity of primary school inclusive teachers meets the requirements of the 2018 general education program. *Multidisciplinary Science Journal*, 7 (3), 2025170. <https://doi.org/10.31893/multiscience.2025170>
- Dehbashi, Fahimeh & Ayatollahi, Hamidreza. (2009). Edmund Husserl's Phenomenology: Pure Idealism or Transcendental Idealism? *Philosophical Knowledge (Ma'refat-e Falsafi)*, Issue No. 6 (4 (24)), 139-172. SID. <https://sid.ir/paper/123907/en>
- Guerriero, S. (ed.) (2017), *Pedagogical Knowledge and the Changing Nature of the Teaching Profession*, OECD Publishing, Paris <http://dx.doi.org/10.1787/9789264270695-en>
- Grant, Carl A. & Gillette, Maureen. (2006). A Candid Talk to Teacher Educators about Effectively Preparing Teachers Who Can Teach Everyone's Children, *Journal of Teacher Education*, Vol. 57, No. 3. doi.org/10.5771/9780739134504
- Huntly, Helen. (2003). *Teachers' Work: Beginning Teachers' Conceptions Of Competence*, Thesis, Central Queensland University.
- Jahjei L. Baroa1 , Junie B. Biason2 , Lea Mae K. Calimpong3 , Anna Marie S. Panerio4 , and Catherine D. Saldevia. (2025). Transitioning into Mathematics Teaching: A Case Study of Non-Education Graduates, *Journal for Research & Technology*, Volume 06, Issue 09:54-64. <https://uijrt.com/articles/v6/i9/UIJRTV6I90006.pdf>
- Karami, Z. (2024). Providing a conceptual framework for designing a future-oriented curriculum. *Teacher Education Policy Studies*, 6 (4), 29–52. [In Persian] <https://doi.org/10.48310/edup.2024.15603>
- Mohebi, A; Farhoosh, M and Yadollahi, S. (2022). A study on measuring the dimensions of professional qualifications of Iranian teachers: A combined review study. *Quarterly Journal of Educational Innovations*. No. 84, Year 21
[10.22034/jei.2022.294968.2017](https://doi.org/10.22034/jei.2022.294968.2017)
- Moulazinalli, M., & Mousapour, N. (2025). Investigating the challenges of novice primary school teachers in aligning curricula with real classroom conditions: Based on experiences of Farhangian University graduates. *Research and Innovation in Primary*

- Education, 7 (1), 62–84. [In Persian]<https://doi.org/10.48310/reek.2025.17748.1405>
- Moqimi, M., & Ramazan, M. (2011). Management Research Journal (Vol. 12). Tehran: Rah Dan Publications. [In Persian]
- Nourian, M., Dashté, A. H., & Babayan Aghaghani, V. (2024). Investigating teachers' experiences and their role in developing students' creative activities in mathematics. Teacher Education Policy Studies, 6 (4), 53–70. [In Persian]
<https://doi.org/10.48310/edup.2024.16694.1417>
- Nguyen, H. T., Vu, N. T. T., Ha, X. V., Dinh, H. V. T., Truong, T. D., & Reynolds, B. L. (2023). Principal instructional leadership and its influence on teachers' professional development at Vietnamese primary schools. European Journal of Education, 3-13, 53 (3), 408–416. <https://doi.org/10.1080/03004279.2023.2195409>
- Pranathi Y, & Aditya Prakash Saxena. (2023). Need And Importance Of Professional Development Of Teachers. Elementary Education Online, 20 (3), 4570–4576. Retrieved from <https://ilkogretim-online.org/index.php/pub/article/view/2905>
- Rafiee Afousi, H ; Navid Adham, M; and Saki, R. (2024). Comparison of Competencies of Newly Accepted Teachers through Four-Year Programs and Article 28 of the Statute of Farhangian University from the Perspective of School Principals in Isfahan Province. Educational and School Studies, 13 (3), 49-71. [In Persian]
[doi:10.48310/pma.2024.3892](https://doi.org/10.48310/pma.2024.3892)
- Rezaei, Monireh. (2018). Developing standards for teachers' professional performance based on competencies identified in developmental documents and its accreditation (research project). Institute for Educational Studies, Educational Research and Planning Organization. [In Persian]
- Retno, R. S, Purnomo, P, Hidayat, A, Mashfufah, A. (2025). Conceptual framework design for STEM-integrated project-based learning (PjBL-STEM) for elementary schools. Asian Education and Development Studies 29 May; 14 (3): 579–604.
<https://doi.org/10.1108/AEDS-08-2024-0188>
- Seif, A. A. (2019). Modern Educational Psychology (Learning and Teaching Psychology) (7th ed.). Tehran: Doran. [In Persian]
- Saki Saka, A .Arzu.saka. (2009). Student teachers, Views about effects of school practice on development of their professional skills. procedia School and Behavioral sciences.
- Sharbatian, M. H., Ghorbani, A., & Khoftteh, E. (2024). Phenomenology of choosing the teaching profession and entry into Farhangian University from pre-service teachers' perspective: A case study of Razavi Khorasan Province. Teacher Education Policy Studies, 6 (4), 1–28. [In Persian]<https://doi.org/10.48310/edup.2024.17044.1420>
- Shokrollahi, Roghaye, Dehghani, Marzieh, Javadipoor, Mohammad, Salehi, Keyvan, & Nouri, Ali. (2021). Identify the professional competency of primary school teachers in bilingual areas. Curriculum Planning Knowledge & Research In Educational Sciences, 18 (43 (70), 35-59. [In Persian] SID. <https://sid.ir/paper/964031/en>
- Shamsi Goshki, S., Kamyabi, M., Soltani, A. A., & Manzari Tavakoli, A. (2025). Designing a technological teacher education model for primary school teachers. Personal Development and Organizational Transformation, 3 (1), 1–16. [In Persian]
<https://doi.org/10.61838/kman.jpdot.3.1.14>
- Taqipour, H., Keshavarz, Lashknari, R., & yosefRashidi, A. A. (2018). Content knowledge

- of teaching methods and its effect on students' academic progress. Proceedings of the First National Conference on Humanities and Development, Shiraz. [In Persian] SID. <https://sid.ir/paper/895722/fa>
- Talkhabi, M., Rahmati, Z., & Moradi, A. (2020). Teacher professional development and conceptual change through knowledge-building environments. *Journal of Cognitive Psychology*, 8 (1), 53–660 [In Persian] <https://civilica.com/doc/1973066>
- Yüner, B. (2022). Teachers' Professional Development Needs and Barriers: The case of Turkey Öğretmenlerin Mesleki Gelişim İhtiyaçları ve Engelleri: Türkiye Örneği. *Kastamonu Education Journal*, 30 (1). 1-10. <https://doi.org/10.24106/kefdergi.739576o>

